

# زبان تصویر در قاب نشانه‌ها

## تحلیل نشانه‌شناختی عکس سیل زدگان کنتاکت اثر مارگارت بورک- وایت

baghbansajjad@gmail.com

Shiva\_Shojaei@ymail.com

سجاد باغبان ماهر/ کارشناس ارشد هنر اسلامی

شیوا شجاعی/ کارشناس ارتباط تصویری

نشانه‌شناسی از  
جمله روش‌های  
جدید نقد برای  
تحلیل شاخه‌های  
مختلف هنر



از جمله عکاسی است که در آن برای رسیدن به خوانندگی از معنای نهایی متن، هر یک از عناصر سازنده به عنوان یک لایه معنایی در نظر گرفته شده و در هم‌نشینی با سایر عناصر متن تحلیل می‌شود. بدین ترتیب عناصر و نشانه‌ها در یک تصویر معنای خویش را به شکل صوری از رابطه هم‌نشینی، جانشینی و تقابل‌های دوگانه می‌گیرند و نه از روابط ذاتی دال و مدلول.

در مقاله حاضر نیز با استفاده از آموزه‌های نشانه‌شناسی اروپایی به ویژه با اتکا به آرای سوسور و بارت، یکی از عکس‌های مارگارت بورک- وایت مورد نقد قرار گرفته است. خانم بورک- وایت یکی از عکاسان مهم خبری و مطبوعاتی در قرن بیستم است که در اینجا عکس دقیق و هوشمندانه وی از سیل زدگان کنتاکی با روش نشانه‌شناسی لایه‌ای بررسی و در نهایت، روابط پیدای پنهانی که میان نشانه‌های نوشتاری و تصویری و فرهنگی درون اثر وجود دارد و باعث ایجاد معنا می‌شود، افشا و به خواننده ارائه شده است.

**واژگان کلیدی: نقد، نشانه‌شناسی لایه‌ای، عکس، مارگارت بورک- وایت.**

### مقدمه

وظیفه یک اثر هنری، انتقال مفاهیم به مخاطب و بیننده است. بیننده این مفاهیم را به وسیله نشانه درک می‌کند. نشانه‌هایی که در زندگی، به صورت مستقیم با آن سر و کار داریم و یا نشانه‌هایی که برای درک بهتر آنها، به اندکی تفکر و تأمل نیاز است. نکته مهم، تشخیص نشانه‌های موجود در یک اثر است که خالق اثر به وسیله آنها مفاهیم مورد نظرش را انتقال می‌دهد و اگر بیننده این نشانه‌ها را دریافت کند، در اصل نشان‌دهنده رسیدن هنرمند به هدفش است. البته باید در نظر داشت که هر شخص تأویل خود را از این نشانه‌ها دارد. از دید فردینان دو سوسور (۱۹۱۶) که یکی از بنیانگذاران

اصلی نشانه‌شناسی محسوب می‌شود، نشانه‌ها بر اثر دلالت دال و مدلول بر یکدیگر به وجود می‌آیند. دال و مدلول بدون هم معنایی نخواهند داشت و اگر دالی بدون مدلول و یا مدلولی بدون دال وجود داشته باشد، هیچ نشانه‌ای به وجود نخواهد آمد. براساس گفته سوسور " دال و مدلول درست مانند دوروی یک برگ کاغذ، از هم جدایی‌ناپذیرند." (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۹).

این نکته در اینجا قابل ذکر است که منظور از مدلول، چیزی قابل درک در جهان خارج نیست. بلکه مفهومی است ذهنی که برای هر انسان، فرهنگ و هر جامعه می‌تواند متفاوت باشد. "مدلول برابر با چیزی مادی در جهان خارج نیست، بلکه یک مقوله ذهنی است." (همان: ۲۱) و در نتیجه، این تصور ذهنی از مدلول است که مقصود و منظور نشانه را به جهان خارج ارجاع می‌دهد.

همچنین در برخورد با نشانه‌ها می‌توان به ارزش آنها اشاره داشت که هر نشانه ارزش خود را به تنهایی کسب نمی‌کند. به طور واضح‌تر می‌توان گفت که یک نشانه بر اساس جایگاهی که مورد استفاده قرار می‌گیرد و نوع روابطش با سایر نشانه‌ها ارزش‌گذاری می‌شود. به تعبیر سوسور "ارزش هر نشانه، به روابط آن نشانه با دیگر نشانه‌های درون نظام وابسته است." (همان: ۲۲).

بر اساس گفته سوسور، می‌توان قراردادی بودن نشانه‌های زبانی و تمایزی بودن معنی در نظام زبان را عاملی در تفاوت درک از نشانه‌های یک اثر هنری در نظر گرفت. به طور مثال هر رنگی در هر جامعه‌ای مفهوم خاص خود را دارد.

همچنین باید این بحث را هم در نظر داشت که یک نشانه خود به تنهایی معنی نخواهد داشت. نشانه وقتی معنادار می‌شود که در متنی، با حضور عوامل بافتی و انسانی دخیل در آن به عنوان نشانه به کار برده شود. این مهم را می‌توان از مطلبی که «فرزان سجودی» در کتاب خود از آکو نقل کرده، دریافت کرد. "به واقع نشانه وجود ندارد، بلکه آنچه هست نقش نشانه‌ای است." (همان: ۱۹۸).

در نشانه‌شناسی گفتار یا زبان، می‌توان به این موضوع اشاره کرد که برای نشان دادن منظور هر کلمه، احتیاجی نیست که آن کلمه در متنی استفاده شود، بلکه خود کلمه می‌تواند به تنهایی، نشانه‌متنی داشته باشد. "اما به واقع هرگاه حتی در قالبی تک کلمه‌ای واژه «آب» در یک کنش ارتباطی تولید شود، در حقیقت نه یک نشانه، بلکه یک متن تولید شده است که دریافت آن حاصل عملکرد لایه‌های متفاوت دخیل در تولید و تفسیر چنین متن تک کلمه‌ای است. ادای کلمه آب ممکن است دلالت بر تشنه‌بودن گوینده داشته باشد، در حالی که خود می‌تواند بیانگر اطلاعات خاصی در مورد گوینده نیز باشد. مثلاً کودکی که هنوز توانایی کافی برای اینکه خود لیوانی آب بخورد را ندارد، پدری که پدر سالارانه با گفتن آب، فرزند یا همسر را به آوردن لیوانی آب امر می‌کند." (همان: ۲۰۱). این مطلب نظریه‌ای است که فرزان سجودی

از آن به عنوان «شناسه‌شناسی لایه‌ای» نام برده است.

بنابراین، نشانه‌ها در تمام زندگی ما وجود دارند و به زندگی انسان معنا می‌بخشند. اگر کمی در حیطه خاص‌تر به این موضوع بپردازیم، می‌توانیم از هنرهای بصری نام ببریم که بیشترین نقش انتقال مطالب و مفهوم از هنرمند به مخاطب بر عهده نشانه‌ها است. بر همین اساس، یکی از آثار عکاسی مارگارت بورک - وایت را از منظر نشانه‌شناسی مورد تحلیل و نقد قرار خواهیم داد.

### زندگی حرفه‌ای مارگارت بورک - وایت

بورک - وایت هرگز اعتباری را که به خاطر گرفتن برخی از به یادماندنی‌ترین عکس‌های قرن بیستم سزاوارش بود را کسب نکرده است. او یک عکاس قوی و خستگی‌ناپذیر بود که آماده بود تا از هر آنچه که در اختیارش است، استفاده کند. به ویژه زیبایی و گیرایی‌اش را تا بتواند عکسی بگیرد. کتاب «چهره‌هایشان را دیده‌اید» در سال ۱۹۳۷ از وی منتشر شده است. (Photo\_Journalism, 2006: 10).

عکاسی خبری هنوز هم یک کار مردانه است و بورک - وایت در آن به عنوان یک استاد دیده می‌شود. در حالی که دیگر عکاسان مجله لایف (Life)، عکس‌های انعطاف‌پذیرتر با فرمت ۳۵mm گرفته‌اند، بورک - وایت به دوربین‌هایی با فرمت بزرگتر چسبیده بوده است، که برای او به همان اندازه‌ای که آن دوربین‌ها برای عکاسان صنعتی خدمت می‌کند، مهم بوده است. او در تجربه پیش‌کسوت نبود و به جای آن به مسائل ساده توجه و به تصاویر چشمگیر و ترکیبی تأکید داشت.

وی زمانی که در اوایل حرفه‌اش، به عنوان رئیس عکاسان، برای مجله فُرچون (fortune) در سال ۱۹۳۰ به اتحادیه جماهیر شوروی سفر کرد، اولین پروژه اصلی‌اش درباره پیدایش دیکتاتوری جدید کمونیست را با موفقیت به پایان رساند که در اصل این پروژه به وسیله یک عکاس غربی تکمیل شد. او بعدها خود را به عنوان یک عکاس علاقه‌مند به ثبت اسناد اجتماعی معرفی ساخت. او به جنوب شهرها می‌رفت و زندگی مردم فقیر دهاتی را ثبت می‌کرد.

بورک - وایت حساسیت زیادی به موضوعاتش نشان می‌داد و نتیجه این حساسیت کتابی بود که با همکاری نویسنده‌ای به نام «آرسین کالدول» (که بعداً با او ازدواج کرد) منتشر شد. این کتاب تصاویری از پروژه‌های مخصوصی از ابتدا تا زمان انتشار مجله لایف (Life) بود. وی وقتی که عکسی از خانواده و دوستان اندوهگین جمع شده اطراف جسد گاندی را به طور قاچاقی انداخت، به شهرتش لطمه زد. او با استفاده از فلاش عکس گرفت. خانواده گاندی آن قدر عصبانی شده بودند که او را از خانه بیرون انداختند و دوربینش را شکستند. بورک - وایت با حیرت اصلاً پشیمان نبود و سعی داشت تا با صحبت به خانه بازگردد. در حالی که بعضی‌ها این عمل او را از روی بی‌عاطفگی فراوان می‌دانستند، دیگران استدلال می‌کردند که او واقعاً یک حرفه‌ای است. (همان : ۳۸).

### عکس سیل زده‌گان کنتاکی

با نگاه کردن به این تصویر، به راحتی به موضوع اصلی پی‌می‌بریم. تبعیض نژادی بحثی است که سال‌هاست در کشورهای غربی، به ویژه آمریکا در جریان است. با وجود اینکه این عکس مربوط به سال ۱۹۳۷ است ولی می‌توان آن را مربوط به دهه‌های اخیر دانست. عکاس در این عکس از طنز تلخی استفاده کرده که با شکافتن نشانه‌ها در عکس به آن می‌پردازیم :

در عکس، دو نوع تصویر با شرایط زمانی و مکانی - اقتصادی و اجتماعی مختلف می‌بینیم : عکسی که از روی یک بیلپورد تبلیغاتی گرفته شده، به اضافه مردمی که در جلوی این بیلپورد صف کشیده‌اند.

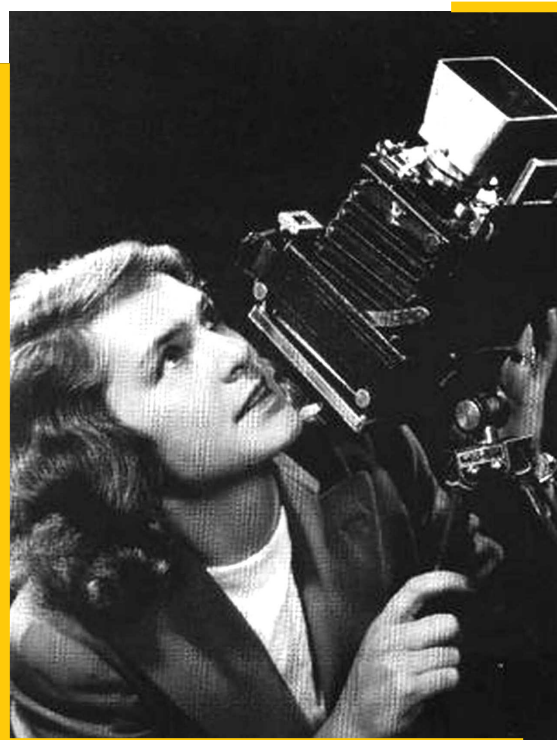
با نگاهی گذرا در مورد شعارهای استفاده‌شده در بیلپورد تبلیغاتی (بالاترین استاندارد زندگی در جهان - WORLD'S HIGHEST STANDARD OF LIVING) می‌توان به نوع پرداخت یک کشور به مسائل اقتصادی و اجتماعی پی برد.

این عکس ترکیبی از دو قاب است که دو نوع فرهنگ در یک جامعه و یا به عبارتی دو نوع طبقه اجتماعی در جامعه را نشان می‌دهد. طبقه بالا، تصویری است از یک بیلپورد تبلیغاتی که خانواده‌ای شاد را، سوار بر ماشین و در حال حرکت به جایی که باب میل سرنشینان است، نشان می‌دهد که این علاقه را می‌توان از لبخند روی لبان آنها دانست؛ سرنشینانی که سفیدپوست هستند و جامعه‌هایی مرتب و زیبا به تن دارند.

در طبقه و یا قاب پایین، صفتی از انسان‌های سیاه پوست، با جامعه‌هایی بسیار معمولی و سطل‌ها و سبدهایی در دستانشان برای شاید خرید از جایی، به همراه نگاه‌هایی درگیر و چهره‌هایی تا حدودی مضطرب می‌بینیم.

وجود خانواده در ماشین حالتی از امنیت را تلقی می‌کند. جامعه‌ها و فضای پشت سر آنها، نشان‌دهنده فصل بهار و گرما است در حالی که جامعه سیاه‌پوستان داخل صف، زمستانی و کلفت است.

خانواده‌ای که داخل ماشین هستند، پوششی با رنگ‌های روشن به تن دارند که نشانه‌ای بر وجود آرامش و شادابی است. مردم داخل صف تیره پوشیده‌اند و این موضوع این نکته را گوشزد می‌کند که مطابق الگوی تقابلی دوگانه سوسوری، رنگ تیره یا سیاه خاصیت معنایی و یا نشانه منفی به همراه دارد و این



مارگارت بورک - وایت (Margaret Bourke - white)

بورک - وایت در زمان خود یکی از مشهورترین عکاسان خبری بود. وی در سال ۱۹۰۶ در Bronx نیویورک متولد شد. در ۱۹۲۲ به خاطر علاقه وافرش به مارها، مشغول تحصیل خزنه‌شناسی در دانشگاه کلمبیا شد و تحت تعلیمات کلارنس وایت به عکاسی علاقه‌مند شد. در سال ۱۹۳۶ او به عنوان یکی از پنج عکاس برتر برای مجله جدید لایف (Life) برگزیده شد. این رابطه کاری‌اش تا سال ۱۹۶۰ ادامه داشت. در طول کارش او همه چیز را از رکود بزرگ گرفته تا جنگ جهانی دوم و آزادسازی اسرای جنگی پوشش داد. بعد از جنگ نیز، او در پاکستان، آفریقای جنوبی و هندوستان کار کرد. وی آخرین عکس از ماهاتما گاندی را قبل از ترورش گرفته است.

(www.akkasee.com)

است) نیز در همین جامعه زندگی می‌کنند؟! این به نوعی نشان‌دهنده دوگانه بودن جوامع سفیدپوست و سیاه‌پوست در یک جامعه است: ما که سفید پوستیم از این امکانات برخورداریم و شما که سیاه پوست هستید باید در شرایط رفاهی پایینی قرار بگیرید.

تیتربزرگ بالای بیلبورد (WORLD'S HIGHEST STANDARD OF LIVING) به عکاس برای تلخ‌تر کردن طنزش کمک می‌کند. همچنین با دیدن جمله (There's No Way Like The American Way) در بالای سر سیاه‌پوستان در صف، می‌توان به این نکته اشاره کرد که این جمله هم با رنگ سفید نوشته شده و متعلق به جامعه سیاه‌پوستان نیست. قرار گرفتن این جملات در بالای سر سیاه‌پوستان و در بالای کادر عکس، نشانه‌ای از پایین بودن جوامع سیاه‌پوست در کشور آمریکا است.

با دقت به عکس، می‌توان به این موضوع اشاره کرد که در بیلبورد تبلیغاتی از دو نوع فونت استفاده شده است: فونت بالای صفحه جدی‌تر است که نشانه‌ای از مهم بودن رفاه خانواده‌های آمریکایی برای دولت است. ولی نوشته‌ای که در فضای خالی کنار ماشین نوشته شده است، دارای فونت دست‌نویس و یا به عبارتی خودمانی است که به دلیل دارا بودن فرم‌های منحنی زیاد، جو گرم و فضای شاد داخل ماشین و یا خانواده‌های آمریکایی را نشان می‌دهد.

وجود ستاره‌هایی در بالای بیلبورد، زیر نوشته اصلی نیز می‌تواند یادآور و نشانه‌ای از پرچم آمریکا باشد که موقعیت مکانی عکس و جامعه مورد نقد عکاس را القا می‌نماید.

مسئله نه یک مورد طبیعی، بلکه شکل فرهنگی در بین جوامع به وجود آمده است. در اکثر فرهنگ‌ها، انسان‌ها، به هنگام مواجه شدن با سختی و یا مرگ اطرافیان، پوشاکی به رنگ سیاه و یا تیره به تن می‌کنند و همان‌طور که قبلاً گفته شد، این عکس در سال ۱۹۳۷ از سیل‌زدگان کنتاکی گرفته شده است. تقابل دوگانه سیاه و سفید در تصویر با تبعیضی که در فرهنگ آمریکایی بر علیه سیاه‌پوستان وجود دارد، تشدید می‌شود.

در عکس بیلبورد، در داخل ماشین، سگی هم دیده می‌شود و این نشان‌دهنده نوعی اطمینان مالی است که خانواده علاوه بر خود و فرزندان، توانایی نگهداری از موجود دیگری را هم دارند در حالی که مادر در صف انسان‌های پایین عکس، به غیر از انسان، موجود زنده دیگری نمی‌بینیم و این خود نشان‌دهنده نوعی ضعف مالی است.

با این اوصاف، این عکس به صورت مستقیم، این تبعیض را نشان داده است. به طور مثال با قرار دادن دو انسان واقعی در یک زمان و مکان مشترک، ولی از دو قشر مختلف جامعه، به تبعیض نژادی اشاره نکرده است. بلکه عکسی از قبل در این اثر، در کنار انسان‌های واقعی در اثر، باعث معنی‌دار شدن کل عکس شده و به روشی غیرمستقیم شاهد منظوری (تبعیض در جامعه) هستیم.

به غیر از تبعیض، بحث تناقض هم به میان می‌آید که اگر این بیلبوردی تبلیغاتی از زندگی ایده‌آل آمریکایی است. پس چگونه انسان‌هایی این چنین، با این شرایط زندگی (مقصود مردم سیاه‌پوست پایین کادر

## جمع‌بندی

به طور کلی، هدف نشانه‌شناسی ارائه یک خوانش دقیق از عناصر موجود در متن و کشف و بیان روابط میان نشانه‌های درون متن است، از همین رو منتقد نشانه‌شناسی صرفاً تحلیل و خوانش خود را از اثر مورد نقد ارائه و از اعلام قضاوت، داوری و ارائه حکم در این باره پرهیز می‌کند و هرکدام از دال‌ها و عناصر موجود در متن را به عنوان یک لایه متنی در نظر گرفته و معنایی که هر نشانه در رابطه با نشانه‌های دیگر تولید می‌کند، بررسی و فرایند ساخته شدن این معانی را افشا و مطرح می‌کند. مسلماً این تحلیل باید متکی به عناصر موجود در متن باشد و روابط ساختاری میان دال و مدلول است که معانی صریح و یا ضمنی را می‌سازد. حال ممکن است که تحلیل معنای این نشانه‌ها توسط منتقد، مطابق نیت و آگاهی هنرمند خالق اثر نباشد. چنانچه مقاله در تحلیل عکس مذکور، علی‌رغم تطابق کامل با عناصر نشانه‌ای درون متن، در بسیاری موارد از آگاهی و نیت قبلی خالق اثر فراتر می‌رود و فارغ از اینکه هدف و قصد پیشینی عکاس چه بوده است؛ نشانه‌های درون متن را استخراج کرده و نشان می‌دهد که عناصر نشانه‌ای اثر دارای اشاره‌های ضمنی و تلویحی به عدم تطبیق شعارها و تبلیغات با واقعیات در جامعه مورد نظر عکاس است که از طریق هم‌نشینی لایه‌های متفاوت نشانه‌ای، دلالت‌های متعدد ضمنی القا شده و مورد تأکید قرار می‌گیرند.

## منابع

- سجودی، فرزانه (۱۳۸۷) *نشانه‌شناسی کاربردی* (ویرایش دوم)، نشر علم، تهران.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۸) *نشانه‌شناسی: نظریه و عمل*، نشر علم، تهران.
- Abbeville Press Publishers (2006) *Photo-Journalism 1855 to the present*, New York: Abbeville press
- [www.akkasee.com](http://www.akkasee.com)

این عکس در زمان لوئیس ویل، در کنتاکی، در سیل سال ۱۹۳۷ برداشته شده است. در این عکس واقعیت و افسانه به صورتی کامل پهلوی هم گذاشته شده است: یک بیان نامناسب درباره نابرابری اجتماعی. این امر هنوز هم بر جامعه وارد است. مأخذ: [www.wordpress.com](http://www.wordpress.com)

